



بایسته‌های بازسازی ساختار فرهنگی کشور

گروه اندیشه - ۱۵ آذر امسال، حسینیه امام خمینی (ره) میزبان جلسه‌ای بسیار مهم و راهبردی بود؛ رهبر انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، افزود بر تأکید دوباره بر «تحول انقلابی ساختار فرهنگی کشور»، اعضای شورا را به حضوری تأثیرگذار و فعالانه، برای انجام این مهم، فراخواندند.

حضرت آیت‌... خامنه‌ای در بخشی از بیانات‌شان گفتند: «با وجود غنا و تراز بالای افراد حاضر در این شورا، اما هویت جمعی شورای عالی به تناسب اعضای آن، بروز لازم را ندارد و لازم است تأثیرگذاری شورا در مسائل فرهنگی کشور تقویت شود، البته اعضای شورا اشتغالات دیگری نیز دارند و این توقع وجود ندارد که اعضا از کارهای اصلی خود بازمانند، اما انتظار این است که برای امور مربوط به شورا وقت مناسب و کافی گذاشته شود.» ایشان با اشاره به مسئولیت اصلی شورا، یعنی هدایت

فرهنگی کشور، تصریح کردند: «درباره دستگاه‌هایی همچون فرهنگ ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات و صداوسیما، هدایت فرهنگی، فقط با ابلاغ سندهای تحول امکان‌پذیر نمی‌شود، بلکه باید این سندها محقق و اجرایی شود و ضمانت اجرای آن‌ها هم حضور رؤسای سه قوه در شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»

تأکید بر مهندسی صحیح فرهنگی، بخشی دیگر از بیانات رهبر انقلاب بود؛ ایشان مهندسی فرهنگی صحیح را لازمه اصلاح ساختار فرهنگی دانستند و گفتند: «هوشیاری داریم، شناخت دقیق ضعف‌های فرهنگی در عرصه‌هایی نظیر اجتماع، سیاست، خانواده، سبک زندگی و دیگر عرصه‌ها و تلاش برای دستیابی به راه‌حل‌های عالمانه برای رفع نقاط ضعف و ترویج گزاره‌های صحیح فرهنگی، از الزامات اساسی مهندسی فرهنگی کشور است.» کندو کاو در چگونگی رسیدن به اهداف ترسیم

شده از سوی رهبر انقلاب و تلاش با هدف بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، موضوع سلسله مباحثی است که از این به بعد و به صورت دنباله‌دار و در قالب یک پرونده، به آن خواهیم پرداخت. هدف این پرونده، استفاده از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگی کشور برای یافتن راهکارهایی است که بتوانند جوابگوی این مسئله راهبردی باشند؛ راهکارهایی که قاعدتاً، ابعاد گوناگونی از فضای فرهنگی کشور را مورد توجه قرار می‌دهند و افزون بر این‌ها، قادرند مسائل جدیدی را در سپهر فرهنگی کشور آشکار کنند و مورد توجه و ارزیابی قرار دهند. در صفحه امروز، با دکتر مسعود فیاضی، رئیس شورای سیاست‌گذاری همایش ملی منطق بازسازی ساختار فرهنگی کشور گفت و گو کرده ایم. امید آن که این تلاش گامی هر چند کوچک، در مسیر زمینه‌سازی برای تحول انقلابی ساختار فرهنگی کشور باشد.

دکتر مسعود فیاضی، رئیس شورای سیاست‌گذاری همایش ملی منطق بازسازی ساختار فرهنگی کشور

در گفت‌وگو با خراسان، از فقدان سوال برانگیز مولفه‌های کلیدی برای تعیین قلمروی حضور دولت در ساحت فرهنگ می‌گوید

در حسرت «نظریه فرهنگ»، ۴۴ سال پس از انقلاب!

شده است، بازسازی کنیم، تغییر بدهیم، این تغییر باید در چه بستری باشد؟ باید از چه پیش‌شرانی استفاده کنیم که آن تغییرات را خود به خود جلو ببر؟ باید این پیشران‌ها و مفاهیمی را که تغییر بر بستر آن‌ها می‌نشیند مبتنی بر مبانی دینی و انقلابی خودتعیین کنیم.

یعنی به خاطر فقدان تعاریف مورد توافق در این سه عرصه، فعالیت‌ها و برنامه‌های ما در عرصه فرهنگ به جایی نمی‌رسد؟

یک وجه این قضیه، همین است. خیلی جاها می‌بینید تلاش می‌کنیم، ولی به تغییر مطلوب نمی‌رسیم؛ این مربوط به همین مسئله است؛ البته گاهی اوقات مشکل ما مربوط به عمل نکردن است، اما وقتی عمل می‌کنیم و نتیجه به دست نمی‌آوریم، بخش مهمی از مشکل مربوط به فقدان این سه نظریه و عمل نکردن به اقتضات و دلالت‌های آن هاست.

به نظر می‌رسد که طرح این چالش، بیشتر رویکردی تئوریک دارد. در پاسخ به پرسش قبل، چالش عمل نکردن را مطرح کردید. لطفاً درباره این گونه چالش‌ها هم که سدا را هر کت به سوی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است، توضیحاتی بفرمایید.

این سه نظریه‌ای که به آن‌ها اشاره کردم، در نگاه کلان، یک ایراد زیرساختی است. اما همان‌طور که اشاره کردید، برخی موانع کلان دیگر نیز وجود دارد که برای رسیدن به هدف مطلوب، باید آن‌ها را هم از سر راه برداریم. یکی از این موانع کلان، بی‌عملی برخی مسئولان است. برخی از مسئولان ما در دولت‌های گذشته، اصلاً اهل عمل نبوده‌اند، حتی در آن‌ها راه‌بردها را عمل هم وجود نداشت. خوب، این که شورای عالی انقلاب فرهنگی یک سند را ابوبند، ابلاغ کند و عمل نشود که اتفاقی نمی‌افتد. متأسفانه این مسئولان، به قانون عمل نمی‌کنند. بگذارید این مانع کلان را با ذکر مثالی توضیح بدهم. در همین بحث حجاب که به تازگی باعث برخی تنش‌ها هم شده است، طبق قانون، ۲۷ نهاد و دستگاه وظایفی را بر عهده داشتند که باید به آن‌ها عمل می‌کردند؛ به غیر از یک دستگاه، هیچ کدام وظایف قانونی خودشان را انجام ندادند. این باعث شد که پازل فرهنگی اجتماعی طراحی شده برای بحث حجاب کامل نشود و عمل آن یک دستگاه نیز، نتیجه عکس بدهد. به اعتقاد من، در این جایش از آن که به آن یک دستگاه انتقاد وارد باشد، به آن ۲۶ دستگاهی انتقاد وارد است که به وظایف قانونی خودشان عمل نکردند. این بی‌عملی‌ها و نبود عزم در برخی مسئولان یا حتی در برخی موارد عزم بر مخالفت با آن‌ها، یکی از موانع جدی است. نکته دیگری که باید از آن به عنوان مانع کلان یاد کنم، ناظر به همان‌شان قرار گاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ شورا باید برای خودش‌شان قرار گاهی تعریف می‌کرد، نه این که صرفاً در جایگاه سیاست‌گذاری به فعالیت می‌پرداخت. دستگاه‌ها هم باید این شأنیّت را به رسمیت می‌شناختند. ببینید، نظام این جایگاه‌ها به رسمیت می‌شناختند، اما متأسفانه همان‌طور که قبلاً ایراد رویکردی نداشتند. به این ترتیب، دستگاه‌ها، هر کدام برای خودش‌شان برنامه داشتند؛ وزارت ارشاد کار خودش را می‌کرد، وزارت آموزش و پرورش هم برنامه خودش را داشت و همین‌طور الی آخر. این باعث موازی کاری، تکرار برخی کارهایی ثمر نماندن سیاست‌گذاری‌ها می‌شد. اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی، قرارگاه مرکزی جریان بازسازی ساختار فرهنگی کشور است، باید همه زیر نظر آن فعالیت کنند، نه این که هر دستگاهی راه خودش را برود. این مشکل زمانی حادث می‌شود که بدانیم ضمانت اجرای‌های شورا هم برای ادا داشتن دستگاه‌ها به انجام وظایف و پاسخگویی، کافی نیست. تا وقتی که تصمیمات شورا ضمانت اجرای در دست حسابی نداشته باشد و شأنیّت قرار گاهی شورا را رقم نخورد، چشم‌انداز بازسازی ساختار فرهنگی روشن نیست. نکته دیگری که جادار از آن به عنوان یک مانع کلان یاد کنیم، قضیه هدایت و مدیریت فضای مجازی است. می‌دانیم که فضای مجازی، نقش بسیار مهمی در تغییرات فرهنگی ایفا می‌کند و البته مسئولیت مدیریت آن، بر عهده شورای عالی فضای مجازی است که متأسفانه با شورای عالی انقلاب فرهنگی، ارتباط سیستماتیک ندارد؛ البته منظور من ارتباطات موردی و مبتنی بر رفاقت همکاری‌های مقطعی نیست، بحث ارتباط سیستماتیک است که وجود ندارد. به اعتقاد من، این یک مانع بزرگ است. در شرایط فعلی و در حالی که فضای مجازی، فرهنگ ما را به چالش می‌کشد و یک پای اصلی ماجرای آسیب‌های فرهنگی محسوب می‌شود، ضرورت دارد که بین دو شورا، هماهنگی‌های جدی و سیستماتیک برقرار و این مانع مهم نیز رفع شود.



به هدایتگری کلان، سازمان دهنی، تقسیم وظایف، ایجاد هم‌سوایی بین نتایج، ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین دستگاه‌های مجری، جلوگیری از ناهماهنگی‌ها و تعارضات بین آن‌ها، رصد نتایج هر دستگاه و نوع ارتباطش با کار سایر دستگاه‌ها و مسائلی از این دست است. این کار نه سیاست‌گذاری صرف محسوب می‌شود و نه اجرای صرف؛ این کار در اصطلاح یک کار قرارگاهی است.

با این تعریف، شورای عالی انقلاب فرهنگی باید ساخت نظارت خودش را به شکلی مطلوب توسعه بدهد.

همین‌طور است؛ وقتی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای خودش‌شان قرار گاهی تعریف می‌کند، دیگر فقط نقش سیاست‌گذاری ندارد؛ مسئولیت رصد، برنامه‌ریزی، ابلاغ، نظارت و به‌ویژه، بازخورد سنجی هم، در مجموعه وظایف شورا قرار می‌گیرد. قرارگاه فرهنگی باید خروجی برنامه‌های خود و جزئی دستگاه‌ها و میزان اثرگذاری مطلوب یا نامطلوب آن‌ها را بررسی و رصد کند. تعیین کند که آیا فلان دستگاه، مانند وزارت ارشاد یا صداوسیما که در این روند، مسئولیت‌هایی بر عهده دارد، مسیر اجرا را درست طی می‌کند یا در روند حرکت به سوی مطلوب، دچار خطا شده است؟ برای تحقق این روند، باید شأن قرار گاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی دقیقاً رعایت شود.

این که شورای عالی انقلاب فرهنگی، شأن قرار گاهی داشته باشد، البته رویکرد مطلوبی است که به نظر می‌رسد بتواند روند بازسازی ساختار فرهنگی را روی ریل در دست قرار بدهد؛ اما در این بین، ما نیازمند مقدّماتی برای ورود به این ساخت گسترده‌تر بر مسئولیت‌هستیم. درباره این نیازهای مقدّماتی که در واقع، چالش پیش‌روی تحقق این روند نیز هست، توضیح بدهید.

ببینید، شورا برای ورود به عرصه مورد بحث ما، در مقام نظر، نیازمند تعیین تکلیف سه نظریه است. اول **نظریه فرهنگ**؛ وقتی قرار است به لحاظ تئوریک، «وضع‌شناسی» انجام دهیم، به یک ملاک دقیق و تعریف شده نیاز داریم. نظریه فرهنگ دقیقاً همین کار را می‌کند؛ به ما می‌گوید که فرهنگ چیست، لایه‌های درونی آن کدام است، رابطه و تأثیر و تأثر این لایه‌ها در هم چگونه است، فرهنگ مطلوب کدام است و... از این جهت، این نظریه معلوم می‌کند آیا این رویداد یا تغییری که با آن روبه‌رو شده‌ایم، آسیب‌هست یا نیست؟ متأسفانه ما نظریه فرهنگ نداریم. با وجود این که انقلاب اسلامی ما، ماهیتی کاملاً ایدئولوژیک دارد و به نظر می‌رسد که نباید در تعریف نظریه فرهنگ مشکلی داشته باشد، اما این گونه نیست. به همین دلیل، ما الان نمی‌دانیم ساز و کارهای فرهنگی‌مان چیست؟ تغییرات داخل فرهنگ باید تابع چه چیزی باشد؟ ملاک تغییرات در هر لایه چیست؟ در این زمینه خلأ جدی داریم و باید حتماً بتوانیم تعریف مناسبی از نظریه فرهنگ داشته باشیم؛ **نظریه دولت در عرصه فرهنگ** است؛ این که حدود و قلمروی اختیارات دولت در عرصه فرهنگ تا کجاست؟ چقدر از این مسئولیت باید به مردم واگذار شود؟ تصدی‌گری دولت کجا باید اتفاق بیفتد؟ متأسفانه ما از داشتن این نظریه هم محروم هستیم. سوم، **نظریه تغییر** است که موضوع بسیار مهمی محسوب می‌شود. ما می‌خواهیم وضعیت موجود را به یک وضعیت مطلوب تبدیل کنیم. ماهیت بازسازی از جنس تغییر است، یعنی استاتیک نیست، دینامیک است. خوب، برنامه‌های ما باید روی چه پیش‌انی قرار بگیرد که تغییر مطلوب را حاصل کند؟ در چه بستری، اگر شرح وظایفی که برای دستگاه‌ها تعریف کرده‌ایم، به مرحله اجرا برسد، می‌توان به رقم خوردن تغییر امید داشت؟ اجازه بدهید در این زمینه مثالی بزنم؛ در غرب پیشران اصلی، فناوری است؛ یعنی نظریه تغییر در بستر و با محوریت فناوری شکل می‌گیرد و به نتیجه می‌رسد. وقتی فناوری توسعه پیدا می‌کند، فرهنگ پشت سر خود راه می‌آورد و فرهنگ مقابل را نیز، خود به خود دستخوش تغییر می‌کند. حالا ما قرار است فرهنگ جامعه را در نقاطی که دچار آسیب

باید ابتداءً وضع‌شناسی دقیقی از وضعیت فرهنگی کشور داشته باشیم تا نقاط آسیب‌دیده مشخص شود. سپس مبتنی بر نظریه‌های مبنایی و مطابق با مبانی و اندیشه انقلاب، راهکارهای مناسب برای رفع آسیب‌ها تعیین شود. قاعدتاً در این بررسی‌ها، بحث «آینده‌پژوهی»، اهمیت زیادی دارد و باید مورد توجه قرار گیرد چرا که فناوری‌های جدید، به ویژه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تأثیر بسیاری بر فرهنگ کشور داشته است و رشد آن‌ها نیز، موجب تغییراتی در فرهنگ می‌شود. در این مطالعه، در نهایت، باید طرحی داشته باشیم که بتواند ما را به وضعیت مطلوب مبتنی بر مبانی انقلابی برساند. در این جاست که می‌توان برای دستگاه‌های رسمی و غیررسمی، متناسب با رسالت‌های ذاتی‌شان تکالیفی را تعیین کرد. توجه داریم که تعیین وظایف، تنها به دستگاه‌های رسمی که در بودجه سالانه ردیف فرهنگی دارند، محدود نیست، بلکه بخش‌های غیررسمی را هم که در ساحت فرهنگ فعال هستند، در بر می‌گیرد. بعد از تعیین تکلیف کلان، دستگاه‌ها نیز، متناسب با رسالت خود، باید آن تکلیف کلان را متناسب با بخش‌های مختلف خود، به برنامه‌های اجرایی خود تبدیل و بر اساس آن عمل کنند.

چراوری کلی و کلان بودن این راهکارها تأکید می‌کنید؟

می‌گویم کلان، چون باید برنامه‌های جزئی را، خود دستگاه‌ها و بر اساس وظایف و اختیارات ذاتی خودشان تعریف کنند. جایی که قرار است در این عرصه تدبیر کند، قرار گاهی است که در سطحی کلان گرفته. بنابر این، شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان قرارگاه مرکزی برنامه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، موظف است تغییرات فرهنگی را رصد و بر سطح کلان، تکلیف دستگاه‌های دست‌اندرکار بازسازی فرهنگی را روشن کند. منظورم این است که شورا نباید برای هر دستگاه برنامه جزئی و ریز بنویسد؛ شرح وظایف به صورت کلان تعریف می‌شود.

خب، با این روش ممکن است باز بحث تفسیرهای متفاوت از شرح وظایف پیش باید یا این که وظایف تعیین شده، در گذر زمان، دچار کمبودهایی شود و نیازمند بازبینی و اصلاح باشد.

بله، این حرف درستی است. برای همین هم این برنامه‌ها باید به صورت سالانه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به دستگاه‌ها ابلاغ شود و در کنار آن، شورا باید به صورت مداوم عملکرد این دستگاه‌ها را رصد و برحسّ اجرای برنامه‌های آن نظارت کند. لذا ابزار نظارتی دقیق و با ضمانت اجرای مناسب نیز، نیاز دارد، اما برنامه جزئی را خود دستگاه می‌نویسد، نهایت این است که هم‌سوایی برنامه‌های جزئی تعیین شده از سوی دستگاه‌ها، توسط دبیرخانه‌ای که برای این کار در شورا تشکیل خواهد شد، کنترل و به شورا گزارش می‌شود. مجموعه این اقدامات، یعنی رصد وضعیت موجود فرهنگ، برسمی وضعیت مطلوب آن را، اثر راهکار برای رسیدن به وضع مطلوب، تعیین تکالیف کلان سالانه برای دستگاه‌های فرهنگی، نظارت بر حسن انجام تکالیف تعیین شده، بازخورد سنجی در نتایج اقدامات انجام شده و دخالت دادن نتیجه آن‌ها در برنامه‌ریزی سال بعد، به این معناست که شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر بازسازی، یک شأن کاملاً قرارگاهی پیدا می‌کند.

منظورتان از شأن قرار گاهی چیست؟

این را باید با مثال توضیح بدهم. ببینید، یک وقت هست شأن یک دستگاه یا نهاد، فقط سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری است؛ مثل مجلس یا مثلاً شورای عالی انقلاب فرهنگی در مقام تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلان فرهنگی. یک وقت نیز شأن یک نهاد یا دستگاه، صرفاً اجرایی و عمل به تکالیف معین شده است. مثلاً تکلیفی از سوی مجلس برای یک وزارتخانه تعیین می‌شود و او هم موظف است بی‌کم و کاست آن را اجرا کند، اما بین این دو موقعیت، یک موقعیت دیگری نیز قابل تصور است که معمولاً در مواردی خود را نشان می‌دهد که موضوع به قدری وسعت دارد و گستره آن به گونه‌ای است که چند دستگاه باید با هم آن را انجام دهند. این جایز

جواد نوائیان رودسی - بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، بدون در نظر گرفتن تعاریف و پرداختن به زیرساخت‌ها و بایسته‌های آن، مجال تحقیق پیدا نمی‌کند. البته، این بسترسازی، بدون ورود به مرحله عمل و در پی آن، نظارتی که باعث رسیدن به هدف می‌شود، فایده‌ای ندارد. از این رو، دکتر مسعود فیاضی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی که به تازگی ریاست شورای سیاست‌گذاری همایش ملی منطق بازسازی ساختار فرهنگی کشور را بر عهده داشته است - همایشی که ۲۳ مهر امسال، با سخنرانی رئیس‌جمهور بر گزار شد - در گفت‌وگو با خراسان بر فعالیت قرار گاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی، برای پیشبرد حرکت در مسیر اصلاح و بازسازی ساختار فرهنگی، تأکید می‌کند. وی معتقد است بی‌توجهی و تأکید نداشتن بر شأن قرار گاهی شورا، باعث می‌شود طرح‌ها و برنامه‌ها روی کاغذ بماند و اجرای آن‌ها نیز، به صورت جامع و هماهنگ صورت نگیرد؛ اقدامی که باعث می‌شود در عرصه فرهنگ با چالش‌های گوناگون روبه‌رو شویم و قادر نباشیم از گذرگاه‌های حساس این مسیر، به سادگی عبور کنیم. آن چه در پی می‌آید، مشروح گفت‌وگوی خراسان با این کارشناس و پژوهشگر عرصه فرهنگ است.

صحبت درباره بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است، در ابتدای بحث قصد داریم درباره راهکارها صحبت کنیم. این راهکارها قرارگاه فرهنگی است به بازسازی انقلابی منتهی شود، می‌تواند هم به صورت جزئی باشد و هم به صورت کلی. لطفاً تحلیل و دیدگاه خودتان را در این زمینه، ارائه بفرمایید.

پیش از آن که بخواهیم به راهکارها، اما از جزئی‌ای کلی بپردازیم، ابتدا باید مفهوم بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را تعریف و سپس منطق این بازسازی را تعیین و پس از آن، مراحل دستیابی به این بازسازی را طراحی کنیم تا نقشه اقدام روشنی برای رسیدن به این هدف در اختیار داشته باشیم. همچنین باید معلوم کنیم پیش نیازهای تئوریک این موضوع چیست؟ به چه اطلاعاتی برای بازسازی نیاز است و موانع تحقق این امر که باید مرتفع شود، چیست؟ بر اساس فرمایش مقام معظم رهبری در دیدار اخیرشان با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، موضوع این بازسازی، فرهنگ کشور است و به همین دلیل مراد از ساختار فرهنگی، ساختار فرهنگ کشور در لایه‌های مختلف آن است. منظور از بازسازی نیز، ترمیم واقعی و عینی آسیب‌هایی است که به مرور در بخش‌های مختلفی از فرهنگ کشور رخ می‌دهد. معیار تشخیص این آسیب‌ها هم، مختصات فرهنگ معیاری است که مبتنی بر ارزش‌ها و مبانی انقلاب تعریف می‌شود و هویت می‌یابد. با این توضیح، مراد از عنوان «انقلابی» بودن این بازسازی نیز، معلوم می‌شود؛ به این ترتیب که تغییر و اصلاحی که برای ترمیم آسیب‌های فرهنگی باید انجام شود، باید به سمت ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی باشد و به آن‌ها منتهی شود. نکته مهم دیگر این که بازسازی باید جنبه عملیاتی و عینی داشته باشد؛ یعنی در جامعه آن ترمیم‌های مدنظر واقعاً تحقق یابد. بنابر این، در فرایند بازسازی، هر چند نیازمند مباحث تئوریک و طراحی‌های مفهومی نیز هستیم ولی رویه اصلی آن عملیاتی و عینی است. به همین دلیل، دستگاه‌های رسمی و غیررسمی فرهنگ هم، در این بستر حضور دارند؛ به هر حال، انجام عملیات فرهنگی برای ترمیم نقاط آسیب، باید توسط آن‌ها انجام شود. به همین دلیل، ستاد یا قرارگاه مرکزی بازسازی، باید مبتنی بر مقدماتی، عملاً به تعیین تکالیف کلان برای دستگاه‌ها، سامان دهی آن‌ها و نظارت بر حسن فعالیت‌های آن‌ها بپردازد و در نهایت، از نتایج فعالیت‌ها، انجام شده، بازخورد سنجی کند تا به مرور و به تدریج، این آسیب‌ها برطرف و فرهنگ انقلابی جایگزین شود. طبیعتاً این اقدام باید به صورت پلکانی و نرم اتفاق بیفتد چرا که اساساً تغییرات فرهنگی، تدریجی، آرام و زمان‌بر محسوب می‌شود. مهم، داشتن برنامه و نقشه جامع اقدام و انجام عملیات فرهنگی متناسب با آن است. برای این اقدام،